

برساخت اجتماعی جهت‌گیری ارزشی میانسالان

ارائه یک نظریه زمینه‌ای

محسن شاطریان* ، بهروز بهروزیان** ، احمد فلاحی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناخت جهت‌گیری ارزش‌های میانسالان با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی در بین ساکنان شهرستان رودبار جنوب است. روش‌شناسی پژوهش، کیفی است و از روش نظریه زمینه‌ای به‌عنوان روش اجرای عملیات پژوهش استفاده شده است. داده‌های کیفی در این مطالعه با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه نظریه نهایی از استراتژی نظریه زمینه‌ای استفاده گردیده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و نیز معیار اشباع نظری، ۱۲ نفر از جامعه مورد مطالعه در این پژوهش مشارکت داشتند که فهم و درک آن‌ها نسبت به ارزش‌های شخصی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ یافته‌های

shaterian25@gmail.com

b.behrooziyani@gmail.com

falahi2015@yahoo.com

* دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه کاشان. (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان.

*** کارشناسی ارشد پژوهشگری و مدرس پیام نور.

به دست آمده با استفاده از روش «نظریه زمینه‌ای» شامل شش مقوله عمده به شرح زیر می‌باشد: واقع‌گرایی، نارضایتی از شیوه زندگی، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی جدید، نوع دوستی، همگرایی با ارزش‌های دینی و خویشاوند گرایی. مقوله «هسته» این بررسی «بازاندیشی معطوف به گذشته» است که سایر مقولات عمده را در برمی‌گیرد. نظریه زمینه‌ای به دست آمده در قالب یک مدل پارادایمی شامل سه بُعد شرایط، تعاملات/فرایندها و پیامدها ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تفسیرگرایی اجتماعی، جهت‌گیری ارزشی، بازاندیشی، میانسالان

بیان مسئله

آنچه جوامع و اقشار مختلف را در درون یک جامعه از هم متمایز می‌کند، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها یا به عبارت دیگر فرهنگ آنان است (دارپاپور، ۱۳۸۶: ۲) که به شیوه‌ای گسترده در بین آحاد یک جامعه مشترک بوده و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد (جعفرزاده پور، ۱۳۹۰: ۲۰۶). ارزش به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، از زمان تشکیل اجتماعات اولیه تاکنون در زندگی انسان نقش مهمی داشته است. ماکس وبر می‌گوید: زندگی بشر از یک‌رشته انتخاب‌ها تشکیل شده است که افراد از طریق آن‌ها نظامی از ارزش‌ها را برپا می‌کنند. ذات ارزش عبارت است از انتخاب و تصدیق آزادانه (آرون، ۱۳۸۷: ۲۳۵). از نظر آلن بیرو، ارزش میزان توانایی یک شیء، اندیشه یا شخص، در ارضای یک میل، نیاز یا تمنای انسان است. راکیچ نیز معتقد است که ارزش، عقیده پایداری درباره شیوه خاصی از رفتار یا هدف نهایی وجود داشت که از نظر فردی یا اجتماعی در برابر شیوه رفتار یا هدفی دیگر قابل ترجیح است (دارپاپور، ۱۳۸۶: ۴). ارزش‌ها جزء اصلی سازنده هر فرهنگی به شمار می‌روند که ثبات یا تغییر آن‌ها باعث ثبات یا تغییر فرهنگ‌ها در هر جامعه‌ای در طول زمان و مکان می‌شود و به تبع آن،

ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (خالقی‌فر، ۱۳۸۶: ۶۷). به‌عبارتی‌دیگر، ارزش‌ها، از یک‌سو راهنما و تعیین‌کننده گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر، تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب‌ورسوم، قوانین، اعتقادات و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند. (Schwartz & bardi, 2001: 272). ارزش‌ها ابعاد اصلی شخصیت آدمی را تشکیل می‌دهند و معرف فلسفه زندگی فردند. ارزش‌های یک شخص با عقاید، رغبت‌ها و تمایلات او مرتبط است، اما ارزش‌ها مهم‌ترین عامل در نظام عقیدتی و تمایلات انسان هستند (دلیری، ۱۳۸۳: ۱۰).

از آن روز که «پویایی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جوامع انسانی شناخته شد، مطالعه دگرگونی و تغییر و تحول اجتماعی، همواره موضوع مورد علاقه گروه‌ها و نهادهای مختلف بوده است (جنادله، ۱۳۸۶: ۱۸). مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی و... می‌گردد، افراد به سمت مادی‌گرایی و انزواطلبی پیش می‌روند، هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای نگرشی و رفتاری اعضای جامعه با شرایط جدید صورت می‌گیرد. شاید عمده‌ترین چالش‌های ممکن در جوامع در حال گذار، چالش در مورد ساختار ارزش‌ها باشد، چالشی که با کندن از ارزش‌های سنتی و تمایل به‌سوی ارزش‌های مدرن همراه است و تعارض و تقابل در نظام ارزشی جوامع را به همراه دارد (مام‌علی و کبیری، ۱۳۹۴: ۱۳۶). کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست، ایران جامعه‌ای در حال گذر یا در حال توسعه است. در چنین جامعه‌ای با فروپاشی نظام‌ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها، اقوام و ملل متفاوت، اغلب مردم، در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار گرفته‌اند (جوادی یگانه و عزیزی، ۱۳۸۷: ۲۱۴). از سوی دیگر، موقعیت خاص زمانی که بر اثر گسترش سریع وسایل ارتباط‌جمعی آن را نسبت به دوره‌های پیشین

مجزا ساخته است، مخاطره‌آمیز می‌نمایاند (پهلوان، ۱۳۸۶: ۱۵). این تغییرات، تحولاتی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات افراد جامعه به وجود آورده است. از این‌رو، برای فهم و درک ارزش‌های یک جامعه، باید بین ارزش‌های اعضای مختلف آن (نسل‌های مختلف) تمایز قائل شد، به عبارتی، جامعه از نسل‌های متفاوتی تشکیل شده است که هر نسل دارای ارزش‌ها، عقاید و باورهای متفاوتی با دیگر نسل‌ها است. میانسالی یکی از سه نسل درون جامعه است که به‌نوعی مهم‌ترین دوران زندگی افراد محسوب می‌شود و به دوران انتقال نیز معروف است. میانسالان در بین ارزش‌های دو نسل جوان و نسل قدیمی‌تر (سال‌مندان) قرار گرفته‌اند. از یک‌طرف پایبند به ارزش‌های سنتی و قدیمی جامعه‌اند که بر پایه منافع عمومی و گروهی شکل می‌گرفت و مردم از حقوق خود برای منافع گروه می‌گذشتند؛ و از سوی دیگر، مایل‌اند همگام با جوان خود حرکت کنند که بین آن‌ها و فرزندشان (نسل جوان) جدایی و فاصله‌نگرشی و ارزشی به وجود نیاید. در واقع، ارزش‌های میانسالان منبعث از عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و نظایر آن هستند. عوامل مزبور در هر دوره زمانی بر تولید، بازتولید، تثبیت، تقویت، تغییر و تحول نظام ارزشی و هنجاری نسل‌های (میانسال) یک جامعه اثر می‌گذارند. از آنجایی که انسان موجودی انتخاب‌گر است و همواره به آنچه از نظر خودش ارزش بیش‌تری دارد، گرایش دارد، از این‌رو سؤال اصلی پژوهش حول این محور است که نسل میانسال در عصر مدرن، چه نوع ارزشی‌های را پیگیری می‌کند؟

در این پژوهش، جهت‌گیری ارزشی به‌مثابه یک کنش اجتماعی معنادار که با انگیزه‌های ذهنی خاصی صورت می‌گیرد، در نظر گرفته شده است. بر این اساس، نگرش ارزشی میانسالان در یک بستر معنایی خاص و توسط کنشگران صورت می‌گیرد. با توجه به این مباحث نمی‌توان آن را صرفاً یک رهیافت محقق‌محور (اتیک) و یک‌سونگر مورد مطالعه و بررسی قرار داد، بلکه اتخاذ رهیافت کنش‌گر محور (امیک) مورد نیاز است. رهیافت امیک از آن منظر دارای اهمیت است که به میانجی آن می‌توان

به فهم و درک افراد از جهت‌گیری ارزشی نائل آمد، دستیابی به این فهم نیازمند رسوخ به گنه دایره معنایی و رمزگان زبانی کنشگران درگیر با مسئله مورد بررسی است. در همین راستا، این پژوهش درصدد است تا به بازسازی مجاری و برساخت جهت‌گیری‌های ارزشی از منظر افراد میانسال درگیر در این مسئله پردازد؛ و این که افراد مورد مطالعه ارزش‌های نسلی خود را چگونه درک، معنا و بازنمایی می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

در زمینه ارزش‌های نسل دوم (میانسالان) مطالعات محدودی چه در داخل و چه خارج کشور صورت گرفته است. در جوامع غربی تغییرات زیادی در حوزه خانواده و ارزش‌های آن اتفاق افتاده است؛ تغییراتی که عوامل متعددی منجر به بروز آن‌ها شده و درعین‌حال پیامدهای گوناگونی برای جوامع متعدد داشته است. یکی از این تغییرات، تغییر ارزش‌ها و جایگزین شدن ارزش‌های مدرن به جای ارزش‌های قبلی است. به‌طور مثال نتایج مطالعه هانسن و لوتی^۱ (۲۰۱۲)، با عنوان «ارزش‌های کاری پیش‌روی نسل‌ها»، نشان می‌دهد که نسل خاموش نسبت به دو نسل دیگر، بیشتر بر استقلال و شأن شغلی تأکید داشتند. نتایج پژوهش ژانگ^۲ (۲۰۰۴)، نشان داد که بی‌اعتنایی به جوانان از طرف بزرگسالان داخل خانواده، نسبت به افراد خارج از خانواده، بیشتر بوده است. شوارتز^۳ (۲۰۰۲)، نشان داد که زنان بیش‌تر از مردان برای ارزش‌های خیرخواهی و کم‌تر از مردان برای ارزش‌های قدرت، برتری قائل هستند. مردان بیش‌تر برای ارزش‌های انگیزشی، پیشرفت و لذت‌جویی و زنان بیش‌تر برای ارزش‌های جهان‌شمول‌گرایی برتری قائل بودند. مطالعه ولزل و دیگران^۴ (۲۰۰۱)، با عنوان توسعه انسانی، به‌عنوان نظریه‌ای کلی درباره تغییر اجتماعی؛ دیدگاهی چند سطحی و میان

1. Hansen & Leuty
2. Zhang
3. Schartz
4. Welzel & et al

فرهنگی است، که جریان و ماهیت تغییرات اجتماعی و از جمله تغییر ارزش‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد که نشانگان توسعه انسانی به واسطه تأثیر علی منابع فردی و ارزش‌های بین فردی بر حقوق واقعی به وجود می‌آیند. اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰)، در پژوهشی باهدف «نوسازی، تغییر فرهنگی و پایداری ارزش‌های سنتی» به بررسی نقش توسعه اقتصادی در تغییر و یا پایداری ارزش‌های سنتی پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت یعنی تغییرات گسترده و هم‌چنین پایداری هستند و توسعه اقتصادی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق به سمت ارزش‌های عقلانی مدارا جویانه و مشارکت جویانه می‌شود.

جهان‌بخش (۱۳۹۵) به بررسی عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که نسل والدین دارای گرایش‌های ارزشی معنوی (مذهبی- سنتی) بوده‌اند و مایل به حفظ آداب و رسوم فعلی در بین آحاد جامعه مخصوصاً جوانان هستند. ظهیری‌نیا (۱۳۹۴)، در پژوهشی «جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه انسانی در شهر بندرعباس» را بررسی کرده است، نتایج نشان می‌دهد که ۴۴/۸ درصد افراد دارای جهت‌گیری ارزشی مادی، ۵۰/۱ درصد دارای اولویت‌های ارزشی و التقاطی (ارزش‌های مادی و فرامادی به صورت توأم) و ۵/۱ درصد افراد نیز دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی بودند. نتایج پژوهش آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که والدین پیش‌تر به ارزش‌های مذهبی و خانوادگی توجه دارند. این مسئله احتمالاً به دلیل تأکید بیش‌تر به ارزش‌های سنتی، مذهبی و خانوادگی باشد که خود نیز، تحت تأثیر شرایط اجتماعی شدن افراد در دوران اولیه زندگی‌شان است. نتایج پژوهش آزاد ارمکی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که نسل گذشته میل به حفظ وضعیت موجود در قالب سنن اجتماعی و فرهنگی را دارد. آن‌ها به دلیل تمایزات فرهنگی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند و به لحاظ مشکلاتی که برای دیگری می‌آفرینند دچار مشکل هستند. آزاد ارمکی (۱۳۸۶)، در پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که مقوله‌های شرکت در مجالس مذهبی، ماندن در منزل و دید و بازدید اقوام

که با ارزش‌های مذهبی، اقتصادی و اجتماعی قرابت بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند در بین نسل‌های قدیمی‌تر درصدهای بیشتری را نشان می‌دهد. بهار (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای با عنوان «ابژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران؛ با تکیه بر ابژه‌های عزاداری» به مقایسه ابژه‌های دینی سه نسل (قبل از انقلاب، انقلاب و جنگ و پس از جنگ) پرداخته است، نتایج حاکی از آن است که نسل اول از ابژه‌های کمتری در مقایسه با نسل‌های بعدی استفاده می‌کند. این نسل مراسم است؛ درحالی که نسل دوم ایده آل‌گرا و نسل سوم ضمن این که مراسم‌گرا هست، به جهان جدید و نیازهای مطرح در آن توجه دارد. جهان نسل سوم، مملو از ابژه‌های متعدد، رنگارنگ و لوکس هست که برساخته زمان صلح هستند. تیموری (۱۳۸۰)، در پژوهشی به بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پدران و پسران پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که ارزش‌های مذهبی، اقتصادی، علمی، سیاسی و هنری به ترتیب مهم‌ترین اولویت‌های ارزشی نسل دوم (پدران) می‌باشند.

چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به تفاوت‌های فلسفی- پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به‌جای استفاده از چارچوب نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات پژوهش استفاده می‌شود. پژوهشگر به‌جای آزمودن تئوری‌های موجود در قالب فرضیات مختلف، به بررسی و تدوین یک چارچوب مفهومی جدید می‌پردازد (ماکسول، ۲۰۰۴: ۱۱۸). در این بخش از پژوهش به برخی از نظریه‌های مطرح در حوزه ارزش، روابط نسلی و رفتار پرداخته می‌شود. با توجه به این که پژوهش حاضر به رویکرد برساخت اجتماعی انجام شده است، از این نظریه‌ها به‌عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیش‌تر ابعاد موضوع مورد مطالعه یا به‌عبارت‌دیگر به‌عنوان ارتقای حساسیت نظری در پژوهش استفاده شده است. در این

پژوهش، برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط برای رهنمون شدن به اهداف پژوهش آورده شده‌اند.

رویکرد دگرگونی فرهنگی رونالد اینگلهارت

به اعتقاد اینگلهارت اولویت ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل‌ها نیز متفاوت خواهد شد. اینگلهارت دو فرض محوری را مبنای کار خود قرار می‌دهد: ۱- فرضیه کمیابی^۱، ناظر بر این امر است که اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی‌اش است و شخص بیش‌ترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است. ۲ - فرضیه اجتماعی شدن^۲، که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده بازتاب شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی وجود داشته است. درحالی که فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایانه می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فرد و نه ارزش‌های یک جامعه یک‌شبه تغییر نمی‌کند. برعکس، دگرگونی اساسی ارزش‌ها به تدریج و بیشتر به طرز نامرئی روی می‌دهد. این دگرگونی در مقیاسی وسیع، زمانی پدید می‌آید که یک نسل جانشین نسلی مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۶).

نظریه ساختی - کارکردی پارسونز

تالکوت پارسونز (۱۹۷۹ - ۱۹۰۲)، پیشرو نظریه‌پردازی ساختی - کارکردی جامعه‌شناسی ایالات متحده آمریکا به تأثیر رعایت ارزش‌ها و هنجارها به‌منظور

1. scarcity hypothesis
2. Socialization hypothesis

برقراری نظم اجتماعی اشاره کرده است. پارسونز در مدل سیبرنتیکی خویش طیف درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها را به‌عنوان عناصر فرهنگی نشان می‌دهد که هرچه فرد ارزش‌ها را بیشتر درونی کرده باشد، احتمال اقدام او به کنشی که انحراف نامیده می‌شود، کمتر است و برعکس. سازمان‌ها و نهادهای درون جامعه ابزارهای درونی کردن الگوهای فرهنگی در میان کنشگران محسوب می‌شوند. چنانچه فرهنگی قادر نباشد نیازها و مطالبات فرد را پاسخ گوید، فرد فرهنگ دیگری را که در بازار مبادله موجود است برمی‌گزیند و به آن گرایش پیدا می‌کند (تیموری، ۱۳۸۰: ۲۰). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از دیدگاه ساختی - کارکردی پارسونز، کنشگر در متنی قرار می‌گیرد که شامل هنجارها و ارزش‌ها، نمادها و دیگر کنشگران می‌شود و از آنجایی که فرد در خلأ زندگی نمی‌کند بلکه با وضعیت و محیط اطرافش در ارتباط و تعامل می‌باشد، هرگونه عاملی که سبب اختلال با دیگر کنشگران اطراف شخص شود یا هرگونه عاملی که موجب انتقال ناقص هنجارها و ارزش‌های مندرج در نظام فرهنگی شود، موجبات سرگردانی و حیرانی کنشگر می‌شود و در نهایت منجر به ایجاد فاصله اجتماعی و فقدان تفاهم میان کنشگر و دیگر کنشگران می‌شود.

نظریه ناسازگاری شناختی

بر اساس این نظریه هنگامی که فردی همزمان شناخت‌های ناسازگاری دارد با وضعیت ناهنجاری یا تضاد درونی روبه‌رو می‌شود. این تضاد درونی افراد را به تغییر شناخت‌ها، نگرش‌ها یا ارزش‌ها برای کاهش سطح تنش درونی تحریک می‌کند. نظریه ناسازگاری شناختی معتقد است که انسان‌ها آگاهانه به انتخاب دست می‌زنند و ارزش جنبه‌های مطلوب را افزایش داده و ارزش جنبه‌های دیگر را کاهش می‌دهند (اسکندری و کاظمی، ۱۳۹۳: ۸۴).

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش، رویکرد کیفی به کار گرفته شد. هدف این رویکرد پژوهشی «ایجاد درکی از زندگی اجتماعی و کشف چگونگی شیوه خلق معنی توسط افراد در شرایط طبیعی» است (نیومن، ۱۳۸۹: ۱۸۴). روش اصلی این پژوهش، نظریه زمینه‌ای^۱ است. نظریه زمینه‌ای روشی نظام‌مند و دقیق برای مفهوم‌سازی ارائه می‌دهد (Glaser, 2002: 3). به لحاظ معرفتی نظریه زمینه‌ای ریشه در مکتب کنش متقابل نمادین دارد (Heath & Cowley, 2004: 142). عنصر کلیدی در نظریه زمینه‌ای که آن را از پدیدارشناسی متمایز می‌سازد، دستیابی به سطح بالاتری از تجرید نسبت به آنچه در خود مفاهیم می‌توان مشاهده کرد، است؛ به عبارت دیگر، در نظریه زمینه‌ای، مضامین نسبتاً انضمامی مشاهده‌شده، در رفت‌وبرگشت‌های مداوم بین مراحل گردآوری داده و تحلیل آن‌ها بر پایه روشی نظام‌مند، به مقولاتی انتزاعی‌تر و نظری‌تر تبدیل می‌شوند (Suddaby, 2006: 636). این روند مفهوم‌سازی معمولاً تا حد زیادی مستقل از ایده‌های نظری موجود پیش برده می‌شود. درعین حال، اهمیت آشنایی محقق با ادبیات نظری حوزه تحقیق موردنظر چه به واسطه نقشی که ممکن است در تعیین مقوله مرکزی تحقیق بازی کند و چه در ارتباط با نقد و بررسی نتایج حاصل از تحقیق، همچنان محفوظ است (Goulding, 2005: 296). جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مردان میانسال (نسل دوم) در شهرستان رودبار جنوب است. برای نمونه‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نظری^۳ استفاده شده است. با توجه به روش به‌کاررفته در پژوهش (روش کیفی) حجم نمونه از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه اشباع مشخص می‌شود. بر همین اساس، با استفاده از

-
1. Grounded Theory
 2. Purposive Sampling
 3. Theoretical Saturation

راهبرد نمونه‌گیری هدفمند و ملاک اشباع با ۱۲ نفر مصاحبه شد. در این مطالعه جهت جمع‌آوری داده‌ها از فن مصاحبه عمیق استفاده شده است.

روش اجرا در این پژوهش بدین صورت بود که پرسش‌ها به‌عنوان «راهنمای مصاحبه» طراحی شدند که پاسخ‌های باز و تفسیری داشتند و پاسخ نمونه‌ها، روند آن‌ها را هدایت می‌کرد. سؤالات با تمرکز بر مطالب تحت پوشش، در یک راهنمای مصاحبه آورده شدند. توالی آن‌ها برای شرکت‌کننده متفاوت بود. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری است: ۱- کدگذاری باز^۱، ۲- کدگذاری محوری^۲، ۳- کدگذاری انتخابی^۳. اولین مرحله کدگذاری باز است و به فرآیند تحلیلی اطلاق می‌شود که طی آن، مفاهیم اولیه و سپس مقولات عمده مبتنی بر آن‌ها، شناسایی شده، خصیصه‌ها و ابعادشان در داده‌ها کشف می‌شود. دومین مرحله، کدگذاری محوری است. در واقع فرآیند اتصال مقوله‌ها به یکدیگر بر اساس خواص آن‌ها (زیر مقوله‌ها)، کدگذاری «محوری» نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری در حول کدگذاری مقوله‌ای صورت می‌گیرد که مقوله‌ها را در سطح خصیصه‌ها و ابعاد به هم مرتبط می‌سازد. سومین مرحله کدگذاری، کدگذاری انتخابی است. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. یکپارچگی مورد نظر در نتیجه تعامل تحلیلگر با داده به وجود می‌آید و یکی از دشوارترین مراحل کار است. محقق باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق پردازد تا بتواند پیوند بین مقوله‌ها را یافته، آن‌ها را پالایش کرده، باهم یکپارچه نماید و نهایتاً نظریه را استخراج کند (محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۹۱). عموماً آنچه از سنجش اعتبار^۴ در پژوهش‌های کیفی مقصود نظر است، موثق بودن روایت پژوهشگر از پدیده یا روابط مورد مطالعه است. در این پژوهش تلاش شود که یافته‌های حاصل در مراحل مختلف، به‌طور جزئی و یا کلی با کنشگران

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding
 4. Validity

ذی‌نفع در «مورد مطالعه» در میان گذاشته شده است تا امکان ارزیابی فاصله‌های موجود بین رهیافت‌های پژوهشگر و برداشت‌ها یا ذهنیات کنشگران و کاستن از این فاصله‌ها در چارچوب طرح پژوهش فراهم شود. هم‌چنین به‌منظور امکان‌پذیری ارزیابی معیار پایایی^۱ در پژوهش‌های کیفی فرآیند تکوین داده‌ها و حرکت به سمت ارائه نتایج را باید به‌گونه‌ای پیش برد تا اولاً چه در طول پژوهش و چه پس‌از آن بتوان مشخص کرد که کدامیک از گزاره‌های ارائه شده مربوط به تفسیر پژوهشگر است و کدامیک مربوط به فرد یا افراد مورد مطالعه است. دوم این که باید مراحل مختلف انجام پژوهش را تا حد امکان از طریق مستندسازی رویه‌های مربوط به گردآوری و استخراج داده‌ها و هماهنگ‌سازی تیم پژوهش از طریق ارائه آموزش‌های لازم و نیز انجام کنترل‌های متعدد در طول فرآیند پژوهش استاندارد کرد تا امکان مقایسه یافته‌های پژوهش با یافته‌های مشاهده‌گران یا پژوهشگران دیگر فراهم شود (فلیک، ۱۳۸۹: ۴۱۳). در پژوهش حاضر علاوه بر لحاظ موارد فوق، تلاش شده است تا با گفت‌وگوهای مفصل بین پژوهشگر و کارشناسان و صاحب‌نظران آشنا به موضوع پژوهش، تا حد امکان یافته‌ها و نتایج حاصل به واقعیت‌های موجود نزدیک شود و به‌تبع آن بر درجه پایایی آن‌ها افزوده شود.

مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان پژوهش

پیش از این که به بررسی یافته‌های این مطالعه بپردازیم برای آشنایی خوانندگان، به‌اختصار به معرفی مشخصه‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان می‌پردازیم تا خوانندگان این پژوهش درک درستی از وضعیت زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان داشته باشند.

1. Reliability

جدول ۱- مشخصات زمینه‌ای مشارکت کنندگان پژوهش

متغیر			سن			تحصیلات			شغل					
میانسال	۴۷-۴۲	۴۸ -	۵۴ سال	بی سواد	زیر دیپلم	کشاورز	آزاد	کارمند	۵۳ سال	به بالا	دیپلم	۳	۶	۳
	سال	۵۳ سال	۲	۴	۶	۲	۳	۳	۵	۲	۲	۳	۶	۳
کل	۱۲			۱۲			۱۲			۱۲				

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، محدوده سنی مصاحبه‌شوندگان نیز ۴۲ تا ۶۵ سال است که پنج نفر ۴۲ تا ۴۷ سال، پنج نفر ۴۸ تا ۵۳ سال و دو نفر ۵۴ سال به بالا سن داشتند. از نظر سطح سواد، ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان بی‌سواد، شش نفر دارای مدرک زیر دیپلم (ابتدایی و سیکل) و دو نفر دارای مدرک دیپلم بودند. هم‌چنین از نظر نوع شغل، ۳ نفر کشاورز، ۶ نفر آزاد (خدماتی) و سه نفر کارمند می‌باشند.

یافته‌ها

در این قسمت به مطالعه مصاحبه‌های صورت گرفته در خصوص جهت‌گیری ارزشی میانسالان پرداخته و سپس به کشف مفاهیم و مقولات پرداخته شد. میانسالان ارزش‌های خود را چگونه درک و ارزیابی می‌کنند؟ معانی ذهنی، کنش‌ها و پیامد این ارزش‌ها برای آنان چگونه است؟ به‌طور کلی در خلال تحلیل کیفی با اجرای مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی به ترتیب ۶ مقوله عمده: رسانه‌های جمعی، واقع‌گرایی، خویشاوندگرایی، نوع‌دوستی، همگرایی با ارزش‌های دینی و سنتی و ابراز ناخوشایندی از شیوه زندگی استخراج شدند و سپس، مقوله‌های مذکور در قالب یک مقوله هسته‌ای «بازاندیشی معطوف به گذشته» ترسیم و مورد بحث قرار گرفتند.

شرایط علی

این واژه به حوادث یا وقایعی دلالت می‌کند که به وقوع یا رشد پدیده‌ای منتهی می‌شوند (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

جدول ۲- مقوله‌های عمده مربوط به درک و تفسیر ارزش‌های بزرگسالان

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم	نوع مقوله	مقوله نهایی
۱	واقع‌گرایی	مصلحت‌اندیشی، قانع بودن، ریسک نکردن، تجارب فردی و اجتماعی	علی	بازاندیشی معطوف به گذشته: بزرگسالان از شرایط فعلی جامعه نارضی اند و سودای بازگشت به آداب و رسوم قبلی اند
۲	استفاده از رسانه‌های جمعی جدید	رادیو، ماهواره، اینترنت، تلویزیون و ...	زمینه‌ای	
۳	ایراز ناخوشایندی از شیوه زندگی	بی‌حجابی، تنبلی و بی‌عار بودن جوانان، بی‌احترامی به بزرگ‌ترها	مداخله‌ای	
۴	همگرایی با ارزش دینی و سنتی	حفظ ارزش‌های دینی، آموزش دینی افراد، کم‌اعتقاد، یاد خدا، انجام واجبات دینی، برداشته شدن وسایل ضد دین.	استراتژی	
۵	نوع دوستی (خیرخواهی)	پاریگری رساندن به دیگران، مسئول افراد دیگر بودن، وفاداری به جمع، متعهد بودن به انجام وظایف	استراتژی	
۶	خویشاوندگرایی (قوم‌گرایی)	اعتماد نکردن به غریبه‌ها، دیدن آشنایان، رفت‌وآمد با خویشاوندان، ازدواج فامیلی، اشتغال فامیلی	پیامدی	

در زیر به اختصار به هر یک از شرایط، استراتژی‌های و پیامدهای مقوله مرکزی با ارجاع به درک و دیدگاه افراد مورد مطالعه از آن‌ها، پرداخته شده است.

واقع‌گرایی

افراد میدان مورد مطالعه بر این باورند که آینده و محیط اجتماعی در کنترل ایشان نیست و تقدیر و سرنوشت، یا وضعیت اجتماعی، وضعیت و آینده هرکسی را رقم می‌زند. بر اساس این مقوله شرایط موجود تقریباً تغییرناپذیر است و به‌راحتی نمی‌توان به خواست‌ها آمال و رؤیایها دست‌یافت. به عبارتی، افراد واقع‌گرا در مقابل آرمان‌گراها هستند که بدون برنامه و هدف با تقلید و پیروی از دیگران، اهداف و آرزوهای بلندپروازانه را دنبال می‌کنند. احتیاط و عدم ریسک‌پذیری، مصلحت‌اندیشی، تجارب فردی و اجتماعی، تصمیم‌گیری و آینده‌نگری منطقی بر اساس زمان حال از نمونه رفتارهایی هستند که نشان از واقع‌گرایی در میان افراد مورد مطالعه دارند. بیشتر مشارکت‌کنندگان با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه در برابر تغییرات مقاوم‌اند و آمادگی مواجهه با برخی از پدیده‌های نو را ندارند. به عبارتی دیگر، از درگیر شدن با پدیده‌های جدید گریزان‌اند و سعی می‌کنند با چیزهایی بسازند که خوب بودن آن‌ها در گذر زمان و فرهنگ عمومی تأیید و تثبیت شده است:

آدم نباید عجولانه با مسائل و مشکلات برخورد کند و با یک تصمیم آینده رو تباه کند. ما سردی و گرمی روزگار را چشیده‌ایم و درک می‌کنیم خیلی چیزها خارج از عهده و توان ماست. یعنی محیط مارو به پذیرش آن سوق می‌دهد، دقیقاً به آنچه داریم قانع‌ایم و دغدغه فردا رو نداریم رزق و روزی فردا، فردا می‌رسه (عباس، ۵۱ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

در طول زندگی‌ام یاد گرفتم که روزگار همیشه اون‌طوری که ما می‌خواهیم نمی‌چرخه و مجبور هستی برخلاف خواسته‌هات عمل کنی. جوان‌ترها فکر می‌کنن ما ریسک‌پذیر نیستیم و مخالف تغییر هستیم، در صورتی که ما مصلحت‌اندیش هستیم و در کارهایمان سبک و سنگین

می‌کنیم و بعد به کار را شروع می‌کنیم، این حرص و زیاده‌خواهی که الان رواج یافته واقعاً منطقی نیست (طهماسب، ۶۵ ساله).

شرایط زمینه‌ای

زمینه نشانگر سلسله خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند، به عبارتی محل حوادث، یا وقایع مرتبط با پدیده‌ای در طول یک بعد است. زمینه در ضمن عبارت است از سلسله شرایط خاص که در آن راهبردهای کنش / کنش متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

استفاده از وسایل ارتباط جمعی جدید

در گذشته، افراد منطقه از طریق ارتباط و تعامل با دیگر افراد منطقه اطلاعات مورد نظر را کسب می‌کردند؛ وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، ماهواره و...) یا نبود یا دسترسی به آن برای همه امکان‌پذیر نبود. بنابراین، نحوه ارتباط مردم به صورت حضوری و رو در رو بوده است. اما امروزه، مردم از وسایل و تکنولوژی‌های ارتباطی در سطح وسیع استفاده می‌کنند. این وسایل عبارتند از: ماهواره، تلویزیون، تلفن همراه. در کنار این‌ها از یک سری امکانات صوتی و تصویری دیگر نظیر ویدئو سی دی نیز به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود؛ بنابراین این وسایل ارتباطی از نظر بزرگان رودبار جنوب از میزان تعاملات و ارتباطات بین مردم در قالب شب‌نشینی‌ها و سر زدن‌های مداوم گذشته یا همان «صله ارحام» کاسته است:

قدیم اصلاً کسی از جایی خبر نداشت و از مکان‌های دیگر خبری

نداشتند اما امروزه باین‌همه امکانات میدونیم در دنیا چه خبره و چه

اتفاق‌های در حال رخ دادن است (کاظم، ۴۴ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

با زیاد شدن تلویزیون و ماهواره در همه خانه‌ها خیلی چیزها نسبت به قدیم عوض شده و نقد برنامه‌های جذاب پخش میشه که حتی افراد مسن سریال و فیلم‌ها را تماشا می‌کنند (اکبر، ۴۶ ساله).

شرایط مداخله‌ای (میانجی)

این شرایط را به‌عنوان منزله زمینه ساختاری وسیع‌تر مربوط به پدیده در نظر می‌گیرند. این شرایط در راستای تسهیل یا محدودیت راهبردهای (استراتژی‌های) کنش/کنش متقابل در زمینه خاصی عمل می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

ابراز ناخوشایندی از وضع اجتماعی-فرهنگی موجود (شیوه زندگی)

شیوه زندگی^۱ ناظر بر بینش و منش توأمان زندگی است. بینش و منشی که مضاف بر ارزش‌گذاری درباره امور زندگی است که از دل این بینش و منش سبک‌های خاص زندگی به وجود می‌آید. با مدرن شدن زندگی بشری و ظهور سرمایه‌داری و تولد چرخه سرمایه‌داری مصرف و مصرف‌گرایی به یکی از مؤلفه‌های اصلی دنیای امروز و شیوه زندگی تبدیل است. این شیوه زندگی که مصرف جز لاینفک آن است که صرفاً ناظر بر مصرف تولیدات و کالاهای مادی و تزئینی نیست، بلکه هرگونه تولید مادی، لوکس، هنری و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. مشارکت‌کنندگان از مصرف‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، کم‌رنگ شدن توجه و احترام به بزرگ‌ترها و... ابراز نارضایتی و ناخرسندی می‌کنند:

واقعاً ناراحتیم از این که امروزه نمی‌توانیم به جوانانمان دو کلمه حرف حساب بزنیم، جوانان هم مقصر نیستند، تقصیر زندگی است و گرنه کی دوست دارد همچین

چیزی بشود، امروزه این قدر تو لاک گرفتاری و بدبختی‌های زندگی هستیم که وقت برای چنین چیزهایی نداریم (کاظم، ۴۴ ساله).
یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

امروز به هزار زحمت و بدبختی جوانانمان را می‌فرستیم دانشگاه
که درس بخوانند که بتوانیم در آینده به بچه‌ها تکیه کنیم ولی کی
می‌دانست که مقابلمان می‌ایستند (اکبر، ۴۶ ساله).

استراتژی / راهبردها

نظریه مبنایی، روش نظریه‌پردازی است با سوگیری کنش / کنش متقابل. عنصر
کنش متقابل هم معطوف به خود است و هم معطوف به رفتار متقابل سایرین. بنابراین با
استفاده از روش‌ها و راهبردها (تاکتیک و استراتژی‌ها) جامه عمل می‌پوشد (اشترواس و
کوربین، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

همگرایی با ارزش‌های دینی

مذهب و سنت با ظهور نوگرایی و جوامع مدرن، بدون شک تغییراتی یافته و
برخی وجوه آن تحت شرایط جدید جهانی قرار گرفته است. اما نمی‌توان گفت که لزوماً
این تحولات سبب تضعیف مذهب و رسوم سنتی شده است. مردم چنان زندگی خود
را سازمان‌دهی می‌کنند که عناصر سنتی با شیوه‌های جدید زندگی یکپارچه شوند.
مشارکت‌کنندگان بزرگسال نسبت به از دست دادن یا تزلزل در ارزش‌های دینی و
باورهای سنتی خود مخصوصاً در بین نسل جوان ابراز نگرانی می‌کنند. آن‌ها بر این
باورند که سواد و تحصیلات جدید از طریق آموزه‌ها و مطالب جدید و غیر سنتی
ممکن است راه را برای نابودی و یا تردید در بسیاری از مبانی اعتقادی جوانان هموار
سازد. بر همین اساس، آنان تأکید دارند که سواد مدرن و رسانه‌های جمعی باید در کنار
حفظ باورها و ارزش‌های سنتی حرکت کرده و آن را مورد تهدید قرار ندهند. پس

همگرایی و هماهنگی با ارزش‌ها دینی و سواد جدید در بین مردم رودبار جنوب بسیار مورد توجه است:

نگرانی ما این است که باسواد شدن جوانان روی ارزش‌های مذهبی‌مان تأثیر منفی بگذارد، یعنی باعث تزلزل شود. جوانان باید سواددار شوند و انسان‌های عاقلی باشند نه این که باعث جهالت و بی‌دینی شوند (داراب، ۴۲ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

در کنار همه این‌ها جوانان باید فرهنگ دینی خود را هم داشته باشند. همان‌طور که در قرآن سفارش شده که خردمندان هستند که همواره به یاد خدا هستند. امروزه باید جوانانمان را از خانه‌ها و پای ماهواره و کامپیوتر بیرون ببریم، مثلاً در مراسم‌های سینه‌زنی و روضه‌خوانی، وگرنه دیگر نمی‌توانیم جلوی آن‌ها را بگیریم (عباس، ۵۱ ساله).

نوع دوستی (خیرخواهی)

نوع دوستی به صورت از خودگذشتگی برای دیگران تعریف می‌شود که به عنوان یک رفتار اجتماعی پسندیده، مورد تأیید همه انسان‌های بهنجار، در هر زمان و با هر ملیتی می‌باشد. نوع دوستی از جمله ویژگی‌ها و صفاتی است که انسان را از تنگ‌نظری و حصار خودمحوری خارج ساخته، موجب می‌شود تا برابر دیگران، از خود، ایثار، فداکاری و گذشت نشان دهد و با آن‌ها پیوند صمیمانه برقرار کند. نگرانی و حساسیت به شرایط دیگر افراد جامعه، فداکاری و گذشت و کمک به نیازمندان، در صورت توانایی، دغدغه تعدادی از شرکت‌کنندگان بود. این افراد انفاق داشته‌های خود برای رهانیدن دیگران از دشواری‌ها و تلاش برای رفاه و ترقی آن‌ها را برای خود فرض و لذت‌بخش می‌دیدند. این گروه، جامعه را «خانواده‌ای بزرگ» می‌دیدند، سعادت آن را آرزو می‌کردند و خود را در مقابل رنج‌ها و سختی‌های آن مسئول می‌دانستند:

آره قدیم‌ها هرکسی به فکر همسایه و فامیلش بود و اگر کسی چیزی نداشت به او کمک می‌کردیم ولی حالا همه چیز دگرگون شده، دوست دارم دوره قدیم دوباره برگردد (حاتم، ۶۲ ساله).
یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

من یکی از دغدغه‌هام وجود تنگدستی در بین اقوام و دوستانه که با مشکلات خاصی سر و کار دارند، با تمام وجود دوست دارم به همشون کمک کنم و همیشه تا جایی که در توانم بوده سعی کردم دست‌گیر هم محلی‌هام باشم (عباس، ۵۱ ساله).

نوع دوستی، انجام کار درستی برای دیگری بدون چشم‌داشت است که افراد مذهبی اعتقاد دارند با این کار به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. این افراد بخشی از زمان و دارایی خود را به این کار اختصاص می‌دهند؛ چراکه امید دارند خداوند پاداش مادی و معنوی به آن‌ها بدهد:

جوونا باید درک کنند که کمک کردن به دیگران به معنی از دست دادن مال و پولشان نیست بلکه چون این‌کار خدا رو خوشحال می‌کنه باعث میشه رزق و روزیت بیشتر بشه (کاظم، ۴۴ ساله).

پیامدها

اعمال (کنش‌ها) و عکس‌العمل‌ها (واکنش‌ها) که در جهت اداره و کنترل کردن پدیده‌ای صورت می‌گیرد پیامدهایی دارد (اشترواس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

خویشاوندگرایی (قوم‌گرایی)

خویشاوندگرایی یا طایفه‌گرایی از مشخصات جوامع سنتی و روستایی است. در این جوامع افراد تمایل به برقراری ارتباط با افراد بیگانه و ناآشنا را ندارند و به افراد ناشناس اعتماد ندارند. مشارکت‌کنندگان مایل‌اند روابط قومی و قبیله‌ای خود را حفظ

کنند و از سردی و کم‌رنگ شدن روابط فامیلی هراس دارند؛ به عبارتی دیگر تمایل دارند از طریق مواردی چون ازدواج دختر و پسرهایشان پیوند بین اقوام را محکم کنند: روابط خویشاوندی الآن دیگر خیلی کم شده دیگر نمی‌شه مثل قدیم روی فامیل حساب باز کرد، الآن همه بیشتر به خود وزندگی خودشان فکر می‌کنند (حاتم، ۶۲ ساله).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

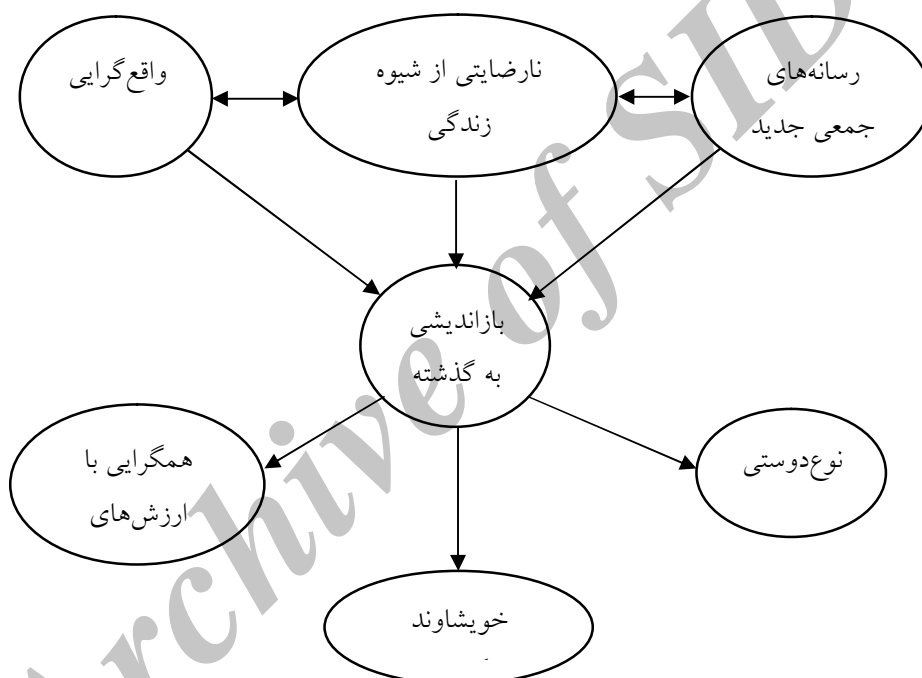
همه فامیل و آشنا از هم فاصله گرفتند روابط سرد شده هرکی سرش تو زندگی خودشه انقد دوست دارم بازم فامیل دور هم جمع بشن و همون صفا و صمیمیت دوباره بینمون به وجود بیاد (سردار، ۴۳ ساله).

نظریه زمینه‌ای: با توجه به مفاهیم به‌دست‌آمده از ارزش‌های بزرگسالان، ارزش‌های خود را به‌مثابه بازاندیشی معطوف به گذشته، درک و تفسیر می‌کنند. مقوله فوق بیانگر عدم تحولات در ارزش‌های میانسالان در جامعه مورد مطالعه است. این مفهوم بیانگر نوعی احساس ناخرسندی از وضعیت ارزش‌های جوانان و تمایل به بازگشت به ارزش‌های اجتماعی سنتی است. بر اساس این مفهوم، مشارکت‌کنندگان ضمن یادآوری ارزش‌های قدیمی و سنتی گذشته خود نسبت به این ارزش‌ها تا حد امکان تأکید کرده و در مقایسه با گذشته از وضعیت تغییر یافته کنونی ابراز تأسف می‌کنند.

بحث و برآیند

از آنجا که موضوع کلی پژوهش حاضر برساخت ارزش‌های میانسالان در منطقه رودبار جنوب می‌باشد؛ ابتدا در مورد ارزش‌های میانسالان (نسل دوم) بحث مستقلی به‌عمل آمده و سپس در ادامه بر اساس مدل نظریه زمینه‌ای به بررسی جهت‌گیری ارزشی میانسالان پرداخته شده است.

در کل این شش مقوله در قالب یک مقوله نهایی با عنوان بازاندیشی معطوف به گذشته را به وجود آورده‌اند. بازاندیشی معطوف به گذشته به سازوکارهایی در اندیشه و رفتار انسانی گفته می‌شود که - «کنش انسانی»، را با کم‌ترین تغییر و تحول در نگرش‌ها و ارزش‌های شخصی، - خواهان حفظ وضعیت موجود است. البته مکانیسم مزبور در فرهنگ مذهبی و سنتی وجود دارد نه در فرهنگ مدرن.



شکل ۱- مدل امیک جهت‌گیری ارزشی میانسالان به‌مثابه بازاندیشی معطوف به گذشته

بر اساس مقوله بازاندیشی معطوف به گذشته، نسل دوم بیشتر به ارزش‌های سنتی و مذهبی جامعه پایبند هستند و تجانس ارزشی بیشتری در این خصوص دارند. مردم رودبار جنوب، در یک جامعه دین‌دار، دین‌محور و خدامحور زندگی می‌کنند و در

آن پابندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود. از این‌رو با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته کاملاً مخالف‌اند.

بازاندیشی معطوف به (گذشته) متأثر از یک سری شرایط و بسترهاست. ارتباط بین مقولات بر اساس سه بعد شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدی ترسیم شد. همان‌گونه که مدل زمینه‌ای نشان می‌دهد واقع‌گرایی یکی از شرایط علی زمینه‌ساز بازاندیشی معطوف به گذشته است. تفسیر رایج و عوامانه مردم این است که شرایط اجتماعی به‌عنوان یک عامل اصلی و غیرقابل‌کنترل، گریبان هر انسانی را گرفته و از بدو تولد تا لحظه مرگ او را به همان جهتی که می‌خواهد هدایت می‌کند و انسان خواه‌ناخواه، همان مسیر را طی کرده که بر افراد و جامعه حاکم بوده است و محدوده‌گزی‌نش و اختیار در این وضعیت بسیار کم است. ابزار جدید ارتباطی، فشارها، نظارت‌ها، کنترل و تمهیدات ساختاری ذهنی و عینی ویژه‌ای را، برخلاف ارزش‌ها و عقاید میانسالان بر جامعه تحمیل می‌کنند. رسانه‌ها ارزش‌ها و هنجارهایی را تبلیغ می‌کنند و الگوهایی در جامعه رواج می‌یابد که مغایر با فرهنگ است که این شرایط نارضایتی افراد از تغییر شیوه زندگی (شرایط اجتماعی فرهنگی جامعه) را فراهم کرده است. مشارکت‌کنندگان از سبک زندگی و الگوی رفتاری رایج در بین جوانان اصلاً راضی نیستند.

ارتباط و فرایند منطقی و معنایی بین مقولات عمده-محوری واقع‌گرایی، استفاده از رسانه‌های ارتباط‌جمعی جدید و نارضایتی از شیوه زندگی، زمینه **بازاندیشی معطوف به زندگی گذشته** (سنتی و دینی) را به وجود می‌آورد که افراد سودای بازگشت به ارزش‌ها، آداب‌ورسوم گذشته را دارند. بازاندیشی معطوف به گذشته، نوع‌دوستی و همگرایی با ارزش‌های دینی را با عنوان استراتژی در مقابل شرایط موجود می‌دانند، به‌عبارتی دیگر، کمک به ممنوع و انجام وظایف دینی و سنت را راه‌حل مشکلات موجود می‌دانند. پیامد عمده شرایط و فرآیندهای بحث شده، منتج به خویشاوندگرایی

(قوم‌گرایی) مشارکت‌کنندگان است. مشارکت‌کنندگان، تعلق خاصی به قوم، قبیله و... دارند و خود و اقوام خود را از لحاظ گوناگون بهتر از سایر طوایف می‌دانند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۷)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: علمی فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مصطفی ظهیری‌نیا. (۱۳۸۹)، *بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، خانواده پژوهی*، ش ۲۳.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷)، *رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، *فرآیند تغییر نسلی بررسی فرا تحلیلی در ایران، جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- اسکندری، حسین؛ کاظم کاظمی. (۱۳۹۳)، *بررسی جهت‌گیری‌های ارزشی نسل جون و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲۲.
- اشترواس، آنسلم، جولیت کوربین. (۱۳۹۳)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهار، مهری. (۱۳۸۶)، *ابژه‌های دینی و هویت نسلی در ایران؛ با تکیه بر ابژه‌های عزاداری؛ مطالعات ملی؛ سال ۸؛ ش ۱*.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگ در جامعه پیشرفته صنعتی*، مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- پهلوان، منوچهر. (۱۳۸۶)، *بررسی تغییرات ارزش‌ها و رابطه آن با شکاف نسل‌ها، پژوهش علوم اجتماعی خلخال*، ش ۱۵.

- تیموری، کاوه. (۱۳۸۰)، بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها، جامعه و فرهنگ. (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات آرون.
- جعفرزاده‌پور، فرزانه. (۱۳۹۰)، تغییرات ارزشی بین نسلی، بازنمایی ارزش‌ها در شخصیت‌های میانسال و جوان مؤنث و مذکر در سریال‌های ایرانی تلویزیون، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۴.
- جنادله، علی. (۱۳۸۶)، بررسی روند تغییرات نگرش‌های فرهنگی - سیاسی در ایران، *پژوهش‌نامه تغییرات فرهنگی*، ش ۷.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ عزیزی، جلیل. (۱۳۸۷)، هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۳.
- جهان‌بخش، اسماعیل (۱۳۹۵)، عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۲۱.
- خالقی فر، مجید. (۱۳۸۶)، بررسی ارزش‌های مادی/فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن برخی از نشانه‌گان فرهنگی، *پژوهش‌نامه تغییرات فرهنگی*، ش ۷.
- داریاپور، زهرا. (۱۳۸۶)، ساختار ارزشی و مناسبات نسلی، *جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- دلیری، رؤیا. (۱۳۸۳)، بررسی سلسله‌مراتب ارزش‌ها در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی*، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- ظهیری‌نیا، مصطفی. (۱۳۹۴)، جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه انسانی در شهر بندرعباس، *توسعه اجتماعی*، ش ۳۲.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۹)، *درآمدی بر تحقیقات کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- مام‌علی، فخرالدین و کبیری. (۱۳۹۴)، تحلیل تطبیقی جهت‌گیری ارزشی مادی و فرامادی در بین شهروندان اشنویه با تأکید بر تفاوت نسلی، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۲۹.
- نیومن، ویلیام لارسن. (۱۳۸۹)، *شیوه‌های پژوهش علوم اجتماعی*. (رویکردهای کیفی و کمی)، ترجمه: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: مهربان.
- Glaser, B. G. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2), 23-38.
- Goulding, C. (2005). Grounded theory, ethnography and phenomenology: A comparative analysis of three qualitative strategies for marketing research. *Journal of Marketing*, 39(3/4), 294-308.
- Hansen, Jo-Ida C. Leuty M.E. (2012). Work Values across Generations. *Journal of Career Assessment*. 20(1). 34-52.
- Heath, H., & Cowley, S. (2004). Developing a grounded theory approach: a comparison of Glaser and Strauss. *International Journal of Nursing Studies*, 41(2), 141-150.
- Ingelhart, R & Baker, E. W. (2000). Modernization, Cultural Change and the 'persistenc of Traditional Values, *Journal American Sociological review*, 65: 19-51.
- Maxwell, J. (2004). *Qualitative Research Design: An Interactive Approaches*. Secod Edition. London: Sage Publications.
- Schwartz, S. H, & Bardi, A, 2001, Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective, *Journal of Cross Cultural Psychology*, v. 32, p. 268-290.

- Schwartz, S.H. (2002). “**Robustness and fruitfulness of values theory**”, in A. Tamayo (Ed), *On Values, EChapter, Dispatched by the Author*.
- Suddaby, R. (2006). From the editors: What grounded theory is not. *Academy of management journal*, 49(4), 633-642.
- Welzel, Christian, Ronald Inglehart, and Hans-Dieter Klingemann (2001). *Human development as a general theory of social change: A multi-level and cross-cultural perspective*, Berlin: wissenschaftszentrum Berlin für sozialforschung GmbH (WZB).
- Zhang, Y.B. (2004). Initiating factors of Chinese intergenerational conflict: Young adults, written accounts. *Journal of Cross-cultural Gerontology*, 19:299-319.

Archive of SID